



ازدواج و خانواده

زهراهمایونی

دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر شهر کرد

چکیده

یکی از بناهای پر اهمیت اجتماع، ازدواج و تشکیل خانواده است. در این واحد اجتماعی سنگ بنای تعلیم و تربیت نهاده می‌شود و انسان در عرصه ازدواج به آرامش و تکامل میرسد. ازدواج به عنوان یک پدیده اجتماعی از جنبه‌های مختلف قابل مطالعه و تحقیق می‌باشد. با توجه به اهمیت و تاثیر موثر زندگی زناشویی بر جنبه‌های مختلف زندگی بررسی می‌شود. انسان موجودی اجتماعی است که بیش از هر چیز به خانواده نیاز دارد چنان که برای تحقق بخشیدن به فرآیند رشد و تکامل خویش به ارتباط با دیگران نیازمند است. نظام خانواده یک نهاد اساسی و محوری در جامعه است و به عنوان هسته اولیه برای سایر نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود. نظام خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که اساس و زیر ساخت واحد‌های بزرگ اجتماعی بشری به شمار می‌رود. ازدواج در بستری پیچیده حساس روابط اجتماعی میان دو جنس مخالف برقرار می‌شود و مقدمه و منشا خانواده می‌شود و یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی، زیستی و فرهنگی محسوب می‌شود. ازدواج برحسب ماهیت، نوع و انگیزه می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی داشته باشد. مقاله‌ی زیر تحت عنوان ازدواج و خانواده باهدف مشخص کردن معیارهای انتخاب همسر و نقش آن در تشکیل خانواده، یک مقاله کیفی، توصیفی که به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است، می‌باشد. واژگان کلیدی: ازدواج، خانواده، اسلام، معیارانتخاب



مقدمه

خانواده و جایگاه آن به قدری رفیع و پر منزلت است که در منابع دینی خیمه ای باشکوه تر و بنای رفیع تر از ازدواج و تشکیل خانواده نزد خداوند تصویر نگردیده است آنچه به شکوه و رفعت این بنا که با سرشت عشق و محبت شکل گرفته می افزاید و سبب می شود تا ارکان و اجزای اش در پیوند با یکدیگر به آن، زیبایی و جلا بخشد و به اهداف متعالی اش دست یابد اخلاق است؛ لذا خانواده ای که در آن اخلاق و فضایل اخلاقی ظهور و بروز یابد و مایه پیوند اعضای آن گردد، همواره از تندباد حوادث و طوفان های ویرانگر در امان خواهد ماند و اهل خود را به سامان خواهد رساند (بانکی پور، شرفی، مشفق، ملکی، آیت اللهی، بداعی، خلج آبادی و کاظمی پور، ۱۳۹۳، ص ۵).

رخدادها و تحولاتی که در قرن حاضر در زمینه های مختلف اتفاق می افتد از حوادث مهم و شگفت تاریخ حیات بشری به حساب می آید دگرگونی هایی که بر ابعاد و جوانب مختلف زندگی تأثیر عمیقی گذاشته به نحوی که شیوه زندگی و طرز تفکر در پی آن تغییر کرده و اندیشه های جدیدی را پدید آورده است. از جمله نهادهایی که در سایه این تحولات علاوه بر دگرگونی، بنیان آن نیز سست و متزلزل شده، خانواده است. امروزه شاهدیم که خانواده درگیر نابسامانی ها و ناهنجاری های متعددی شده است. دیگر در آن از صفا، صمیمیت و آرامش گذشته خبری نیست. زن و شوهر در کنار یکدیگرند ولی از هم بیگانه اند. با اندک بهانه ای حیات زندگی از هم میگسلد. فرزندان، مهر و عطوفت لازم را در خانواده به دست نمی آورند. در خانواده عشق، گذشت، ایثار و فداکاری کمتر به چشم می خورد. نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده به خاطر بعضی آزادی های بی بند و بار جنسی در برخی جوامع کمرنگ تر شده است. جامعه انسانی بیش از هر زمان دیگر به رفع این مشکلات و ارائه الگوها و اطلاعات مناسب نیازمند است و باید بیش از پیش به تقویت نهاد خانواده پردازد. به طور کلی زیرساخت هرگونه پرورش و تکامل اجتماعی، روانی، اخلاقی، اقتصادی، دینی و ... در خانواده شکل می گیرد. اگر به هر دلیل نتوانیم این بنیان را مستحکم کنیم، هرگز نمی توانیم معیارها، ارزش ها و ایده آل های انسانی خود را استوار بداریم و به نسل های بعدی منتقل کنیم (نجاتی، ۱۳۷۶، ص ۹).

ازدواج

ازدواج یعنی یک نوع علاقه مند شدن به سرنوشت دیگران و یکی از عللی که در اسلام از ازدواج به عنوان یک امر مقدس و نوعی عبادت یاد شده همین است. رسول خدا (ص) می فرماید: (هیچ بنایی در اسلام محبوب تر از بنای ازدواج در پیشگاه خداوند نیست). در ازدواج و تشکیل خانواده، هدف تنها رفع نیاز جنسی و یا فرزند دار شدن و بقای نسل نیست بلکه آمیزش روح ها، پر کردن خلاء روحی هر یک، توسط دیگری و رشد و کمال نیز از اهداف مهم ازدواج است. به این منظور زن و مرد باید محیطی باصفا بسازند که سبب سکون و آرامش آن ها و تجلی گاه مودت و رحمت باشد. این زندگی گرم و پرنشاط، شیرینی خاصی دارد که همواره در کام همسران خواهد ماند (رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۸).



ازدواج در عرف و شرع پیمان زناشویی است که بر اساس آن، برای مرد و زن در برابر هم، تعهدات اخلاقی و حقوقی پدید می آید که سرپیچی از آنها، عقوبت و کیفر در پی خواهد داشت. در هر آیینی، ازدواج با مقررات و قوانین ویژه ای صورت می گیرد و اسلام به آداب و رسوم دیگر اقوام احترام گذاشته است. پیمان زناشویی در قرآن به نکاح نیز تعبیر شده، و به دو معنا به کار رفته است. ۱- آمیزش (بقره/۲۳۰) و ۲- عقد ازدواج (نور/۳۲). نیاز روح به کانون آرامش، با اهمیت تر از نیاز جنسی است. همسر در پیشامدهای زندگی، راه وصول به آرامش و سعادت را نزدیک می کند (محبی کچلام، ۱۳۹۳).

ازدواج ارتباطی است که دارای تأمین بی نظیر و گسترده ای می باشد، ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است. به عبارتی دیگر، همزیستی زوجین در درون خانواده، موجب چنان ارتباط عمیق و همه جانبه می شود که بی هیچ شک و شبهه ای قابل مقایسه با هیچ یک از دیگر ارتباطات انسانی نمی باشد به نحوی که قرارداد ناشی از آن دارای نوعی تقدس شده است. به طور کلی ازدواج را می توان عملی دانست است که موجب پیوند دو جنس مخالف بر پایه روابط پایای جنسی می شود و با انعقاد قراردادی اجتماعی مشروعیت پیدا می کند (نجاتی، ۱۳۷۶، ص ۲۳).

خانواده

خانواده به عنوان واحد کوچکی از یک اجتماع چند نفره دارای جایگاهی است که بسیاری از ویژگی های انسان در آن بروز می یابد. در این واحد است که کرامت انسانی می تواند نیکوتر تجلی یابد، کمالات معنوی حاصل گردد و بسیاری از نیازهای جسمی و عاطفی برآورده شود. توصیه خداوند و اولیا الهی به تشکیل خانواده و ازدواج در راستای به سامان رساندن نیازهای متنوع انسان، همسو با خلقت کریمانه اوست. بی گمان در این بستر است که با انتخاب درست و شایسته مسیر، نیازها و گرایش های انسان به سرانجامی سعادت مندانه منجر می گردد (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

خانواده یکی از قدیمی ترین و انعطاف پذیر ترین نهادهای اجتماعی در تاریخ بشری است. از زمان آغاز زندگی انسان، مردم خود را به صورت گروه های قومی یا خانوادگی در می آوردند تا از حمایت عاطفی، جسمی و اجتماعی برخوردار باشند. اگرچه در سال های اخیر، افرادی از هم پاشیدگی نهاد خانواده را پیش بینی کرده اند؛ با این حال نه تنها این نهاد به حیات خود ادامه می دهد، بلکه همچنان به تغییر و رشد خود نیز ادامه می دهد. ممکن است ساختار خانواده در آمریکا با سایر کشورها متفاوت باشد، اما ارزش آن تاکنون پایدار مانده است (اچ السون، دفرین و کی السون، ۱۳۸۸، ص ۴۳).

یکی از نهادهای مهم اجتماعی که به لحاظ اهمیت، نقش و کارکردهای مختلف مورد توجه علمای مذهبی، اخلاقی و صاحب نظران تعلیم و تربیت، جامعه شناسی و روانشناسی قرار گرفته است، نهاد خانواده می باشد. نهادی که بر اثر ازدواج یک زن و مرد پدید می آید و وجود فرزندان آن را تکمیل می کند. صاحب نظران علوم اجتماعی برای خانواده تعاریف متعددی ارائه کرده اند از جمله: خانواده عبارت است از یک شرکت کم و بیش پایدار با فرزند یا بدون فرزند. خانواده یک پدیده تاریخی و یک واحد اجتماعی است که واجد خصایص یک گروه یا نهاد است. خانواده سازمانی است اجتماعی که با وجود تحولات دائم خود، در هزاره ها دوام آورده است.



خانواده متشکل از افراد است و دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی است که بر اساس نکاح عقدی که ارتباط یا مشروعیت ارتباط زن و مرد را معین می‌سازد پدید می‌آید (صافی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹).

به طور کلی خانواده، نهادی اجتماعی است و شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌شود که علاوه بر حفظ بقای نسل و پرورش کودک، وظایف متعدد و پیچیده دیگری از قبیل فعالیت‌های آموزشی، اقتصادی و اجتماعی کردن فرد را برعهده داشته و به عنوان عامل ارتباط مستقیم فرد با گروه‌ها، موسسات اجتماعی و سازمان‌ها، نقش مهمی دارد. خانواده با توجه به ارتباط با نظام پایگاهی جامعه، پایگاه اجتماعی فرد نیز محسوب شده و در شمار عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که بر اساس حداقل، ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد. خانواده معمولاً علاوه بر اشتراک مکانی دارای ابعادی زیستی، اقتصادی، جامعه‌شناسی، روانی و حقوقی است و عناصر اصلی اجتماع را در خود دارا است (نجاتی، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

ازدواج و تشکیل خانواده یک پیمان مبارک و مقدس و سنت دیرینه‌ای است که در میان تمام اقوام و ملل برای یک زندگی مشترک وجود داشته است. مهمترین رکن این ازدواج به دست آوردن آرامش و امنیت به عنوان یک نیاز اصلی و حیاتی انسان به شمار می‌رود. از نشانه‌های حکمت خداوند قرار دادن جفتی از جنس خودش و ایجاد محبت و الفت بین آن‌ها در زندگی است. ازدواج یک نیاز طبیعی زن و مرد می‌باشد که در همه جوامع بشری و ادیان الهی و به خصوص مکتب گرانقدر اسلام وجود داشته است و دارد؛ به طوری که رهبران آنها خاصه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) به پیروان خود برای تشکیل این پیوند مبارک و میمون تاکید فراوان نموده‌اند. نکته خیلی مهم در امر ازدواج و تشکیل خانواده، آرامش انسان، تکامل و رشد، سلامت، امنیت فرد در دنیا، تامین و پاسخ به نیازهای جنسی که غریزه طبیعی است، می‌باشد. هیچ انسانی به خودی خود کامل نیست بلکه دارای کمبود و نقص است و میل به گزینش همسر در دوران جوانی به طور طبیعی و برای رشد و تکامل خویش دارد. ازدواج و بنای خانواده مقدس‌ترین، راحت‌ترین و ارزشمندترین اقدام انسان برای آرامش جسم و روان و خط بطلان بر تمامی فسادها، پلیدی‌ها، انحرافات و بی‌بند و باری‌ها است، ارزشمندترین الگوی زندگی برای ما مسلمانان در تشکیل خانواده، پیامبر اسلام است که فرمودند: (من که پیغمبر شما هستم، همسر اختیار می‌کنم، غذا می‌خورم و از جسم خود مواظبت می‌کنم و در میان اجتماع به سر می‌برم و با مردم تماس دارم). محیط خانه مکتب انسان‌سازی است؛ در محیط خانه زن و مرد می‌توانند بسیاری از فضایل را کسب نمایند و از سویی رذایل فراوانی را از خود دور سازند. و با هر ازدواجی که صورت گیرد دو جوان راه خود را برای نزدیکی به خداوند هموارتر ساخته‌اند و وعده‌های شیطان را به یاس و ناامیدی مبدل کرده‌اند. در امر مقدس ازدواج دو نوع جهاد است: ۱- برای زنان نیکو، شوهرداری ۲- برای مردان، کار و کوشش برای زن و فرزندان. هر دختر و پسر بالغی به طور طبیعی احتیاج به ازدواج دارد و اگر با این نیاز مبارزه کند و به خصوص این امر بیش از اندازه به تاخیر افتد؛ جز بدبختی و سیه‌روزی چیزی دیگری عایدش نمی‌شود. اگر انسان بتواند با غریزه گرسنگی مبارزه کند؛ اگر انسان بتواند با غریزه تشنگی مبارزه کند؛ به طور حتم می‌تواند با این غریزه و نیاز جنسی هم



مبارزه کند. سرانجام مبارزه با این غرایز مرگ و نیستی است، اسلام عزیز در امر مقدس ازدواج تاکید فراوان دارد، تا به این نیاز مبارک پاسخ مثبت داده شود (مومیوند، ۱۳۷۸، ص ۷) .

نظر به اینکه نهاد خانواده اصلی ترین رکن جامعه و بستر فرهنگ های گوناگون و زمینه ساز خوشبختی یا بدبختی انسان ها است لذا توجه به اهداف پیوند زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است. اهداف ازدواج از دیدگاه اسلام به شرح زیر است: ۱- آرامش روانی ۲- رافت و مهربانی ۳- بقای نسل ۴- پاسخ به ندای غریزه و فطرت ۵- سازندگی اخلاقی ۶- سلامت جامعه (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

معیارهای انتخاب همسر

در گذشته معمولاً بزرگترها به ویژه والدین، بیشترین نقش را در ازدواج فرزندان ایفا می کردند. ویژگی های خانواده گسترده و وابستگی جوانان به خانواده نیز موجب می شد تصمیم گیری اصلی بر عهده خانواده دختر و پسر باشد. اما امروزه اختیارها و آزادی های فردی دختر و پسر در گزینش همسر فزونی یافته است. بنابراین آنان در انتخاب شریک زندگی باید قواعد پیچیده و دقیقی را رعایت کنند و در این میان نقش والدین هنوز برجسته است. ملاک های جسمانی، روانشناختی، اقتصادی، اعتقادی و فرهنگی، ملاک های کلی همسرگزینی است (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

نوجوانان و جوانان (دختر و پسر) باید به گونه ای همسر برگزینند که با یک تیم دیگر همتا، هم شان و متناسب باشد و به اصطلاح (با هم جور در آیند). اگر این شرط تامین شود و این هماهنگی و تناسب تحقق یابد، مشکلات دیگر به راحتی قابل حل است. اگر در این مرحله نلغزند، پیمودن مراحل دیگر، آسان خواهد بود. به جرأت می توان گفت بیشترین مشکلاتی که در زندگی خانوادگی به وجود می آید، به خاطر این است که دختر و پسر در اینجا به خطا رفته اند و همسر متناسب با خود را انتخاب نکرده اند. چه بسیار همسرانی را دیده ایم که بخاطر این عدم تناسب و هم سنخ نبودن به تباهی و بدبختی کشیده شده اند. بسیاری از مشکلات و اختلافاتی که در زندگی مشترک به وجود می آید، ریشه در انتخاب غلط همسر دارد (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳).

انتخاب همسر مهمترین انتخاب زندگی هر فردی است. انتخابی که شما را از لحاظ محل زندگی، داشتن فرزند، دوست داشتن فرزندان، شغل، حقوق وضعیت مالی و شادی، به طور کلی تحت تاثیر قرار خواهد داد. به عبارت بهتر: کسی که شما با او ازدواج می کنید تقریباً تمام جنبه های زندگی شما را تحت تاثیر قرار خواهد داد، چه در جهت بهتر یا جهت بدتر (اچ السون و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۲).

در همسرگزینی عواملی که باید مورد نظر قرار گیرد سه نوع است:

۱- عوامل مشترک در زن و مرد

۲- عوامل اختصاصی مربوط به زنان

۳- عوامل اختصاصی مربوط به مردان



عوامل مشترک در زن و مرد:

در همسرگزینی عواملی که باید در مورد هر دو جنس زن و مرد مورد توجه قرار گیرد عبارتند از: ۱- تدین و تقوا ۲- عوامل جسمانی ۳- وضعیت خانوادگی و ژنتیک ۴- خصوصیات اخلاقی و عاطفی ۵- تحصیل و عقل ۶- کفویت (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۵، ص ۹۵).

۱- **تدین و تقوا:** اسلام بر تقوای در ازدواج توجه خاص نموده و آن را یکی از عوامل تعیین کننده می داند. امام باقر(ع): مردی که با پیغمبر در کار ازدواج مشورت کرد آن حضرت فرمود: (آری زن بگیر ولی زن با ایمان و خداشناس) (همان، ۱۳۹۵، ص ۹۶).

انسانی که دین ندارد، هیچ ندارد؛ هر چه هم داشته باشد هیچ محسوب می شود. انسان بی دین، در حقیقت مرده متحرک است. کسی که پایبند به دین که اصلی ترین مسئله زندگی است نباشد، هیچ تضمینی وجود ندارد که پایبند به رعایت حقوق همسر و زندگی مشترک باشد. انسان دیندار، هرگز نمی تواند با همسر بی دین، کنار بیاید و با هم زندگی سعادتمندانه ای داشته باشند. انسان متدین، ممکن است بتواند نقش های دیگر همسرش را تحمل کند، اما بی دینی و لابلالی گری هرگز نمی تواند تحمل نماید (مظاهری، ۱۳۸۸).

تفاوت دینی و مذهبی می تواند یکی از مسئله ساز ترین تفاوت ها باشد. تفاوت دینی در آغاز آشنایی تاثیر چندانی بر رابطه ندارد، زیرا لزومی ندارد که دیدگاه های مذهبی یکسان داشته باشیم تا از بیرون رفتن با کسی لذت ببریم. اما متأسفانه وقتی که رابطه جدی تر می شود و احساسات افراد به یکدیگر قدرت می گیرد، مشکلات هم بیشتر می شود. از آنجا که دین و مذهب باورهای بنیادین ما را شکل می دهند، تفاوت در این باورهای بنیادین می تواند برای همسران بسیار مسئله ساز شود. این افراد معمولاً در سنت ها و مناسبت ها تفاوت های مذهبی بین خود را به خوبی مشاهده می کنند و از همه مهم تر، وقتی صحبت از بزرگ کردن بچه ها باشد کافی است از آنها پرسیم که دوست دارند بچه هایشان چه دین یا مذهبی داشته باشند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶).

۲- عوامل جسمانی

در عوامل جسمانی آنچه بیشتر مورد نظر است، جمال و زیبایی و وضعیت ظاهری بدن است. اسلام به وضعیت بدنی بخصوص جمال و زیبایی زن توجه خاص دارد و آن را یکی از عوامل موثر در ازدواج معرفی نموده است. و در مورد مردان نیز پاکیزگی و آراستگی توصیه شده است (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۵، ص ۹۷).

دختر و پسر باید هنگام ازدواج از سلامت کامل جسمانی بهره مند باشند. بنابراین اگر دختر یا پسر نقص جسمانی یا بیماری صعب العلاج داشته باشد، باید فرد مقابل از آن آگاه گردد و با علم به این بیماری به ازدواج با او رضایت دهد. با وجود تعالیم خردمندانه بیشتر فرهنگ ها مبنی بر اهمیت خصایل درونی، بیشتر افراد زیبایی چهره و ظاهر خوشایند را ملاک قرار می دهند. البته زیبایی امری نسبی است و باید توجه داشت مجموعه ای از مشخصات ظاهری و رفتاری هر فرد او را زیبا یا



زشت جلوه می‌دهد؛ چه بسا اجزای چهره کسی چندان زیبا نباشد ولی ترکیب آن جذاب و نمکین باشد، یا اینکه چهره فردی در نظر خواستگار زیبا جلوه کند، ولی در چشم مادر خواستگار جذاب نباشد. به همین دلیل توصیه می‌شود قضاوت در مورد ظاهر همسر مورد نظر، به دیگران واگذار نشود. بنابراین دختران و پسران نباید زیبایی را ملاک و معیار اصلی ازدواج قرار دهند. در خصوص ویژگی‌های ظاهری باید توجه داشت پاکیزگی و آراستگی مردان، در برقراری روابط سالم زناشویی و حفظ حریم خانواده موثر است. لذا توجه به رعایت این ملاک در پسران امری ضروری است، هرچند آراستگی و نظافت به معنای توجه افراطی به ظاهر و پیروی کورکورانه از مد نیست. بی‌شک مدل‌های تبلیغاتی در پوشش یا مدل آراستن سر و صورت سبب از بین رفتن جذابیت‌های مردانه در پسران می‌شود و در بیشتر دختران دافعه ایجاد می‌کند (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

یکی از مواردی را که باید جوانان قبل از ازدواج به آن اهمیت دهند، زیبایی متناسب همسر آینده با خودشان می‌باشد. در دین مبین اسلام به زیبایی‌های خلقتی اشاره شده است و در روایاتی که از ائمه معصومین آمده، تأکید فراوان بر برخی از زیبایی‌ها شده است. زیبایی آنقدر مهم است که در جسم و روان انسان تأثیر می‌گذارد. امام صادق (ع) در این مورد می‌فرمایند: (نگاه به زن زیبا بلغم را از بین می‌برد و نگاه به زن زشت و سودای تلخ را زیاد می‌کند). همانطور که در روایت ملاحظه شد نگاه به زیبایی در جسم و روان انسان تأثیر گذاشته و از حیث فیزیکی نیز برای بدن مفید است. پس نباید جوان به ظاهر قضیه بی تفاوت باشد ضمن اینکه ما بر محبت قلبی یعنی عشق و علاقه تأکید فراوان داریم (اسداللهی فرد، ۱۳۷۸، ص ۹۰).

۳- وضعیت خانوادگی و ژنتیک

اسلام به وراثت و ژنتیک و شرافت خانوادگی در ازدواج زیاد اهمیت می‌دهد. پیامبر می‌فرمایند: (در دامن و خانواده شایسته ازدواج کنید زیرا عرق (نطفه و ژن‌ها) تأثیر می‌گذارد) (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۵، ص ۹۸).

منظور از شرافت خانوادگی شهرت و ثروت و موقعیت اجتماعی نیست؛ بلکه منظور، نجابت و پاکی و تدین و... است. ازدواج با یک فرد، مساوی است با پیوند با یک خانواده و فامیل و نسل. در مسئله انتخاب همسر، معقول نیست که انسان بگوید: (من می‌خواهم با خود این فرد ازدواج کنم و کاری به خانواده و خویشان و فامیلش ندارم). زیرا این فرد، جزئی از همان خانواده و فامیل و شاخه‌ای از همان درخت است. و این شاخه، از ریشه‌های همان درخت تغذیه کرده است. مسلم است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی و جسمی آن خانواده و فامیل، از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات، به این فرد منتقل شده است. در ضمن اگر تو با آنان کار نداشته باشی، آنان با تو کار دارند. هرگز نمیتوانی همسرت را از آنان و آنان را از همسرت جدا کنی. خودت هم نمی‌توانی رابطه‌ات را با آنان قطع کنی. یک عمر باید با آنها معاشرت و زندگی نمایند. اگر خانواده و خویشان همسر، ناباب و فاسد باشند، انسان را زجر کش می‌کنند و از دخالت‌های آنان در زندگی و از ارتباط با آنان نمی‌شود به کلی جلوگیری کرد (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵).



اولین و اساسی ترین معیار برای انتخاب همسر اعم از زن و مرد، اصالت خانوادگی است. کلمه اصالت از اصل گرفته شده و اصل به معنای ریشه آمده است. یعنی دختر و پسر از خانواده هایی باشند که دارای اصل و ریشه هستند. دختر و پسر باید در خانواده هایی رشد یافته باشند که در آنها پدر و مادری عاقل و دلسوز با همه وجود در رشد و تعالی فرزند کوشیده باشند. برخلاف خانواده هایی که زن و مرد خانه کودکان را به حال خود رها کرده و به دنبال گردش و تفریح خود بوده اند و یا مردانی که بدون دلیل موجهی به تعدد زوجات پرداخته فرزندان خود را به حال خود رها کرده اند. در خانواده های اصیل پدران و مادران می کوشند از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود نمونه و الگو باشند و بدون تردید پدر و مادر صالح از نظر ارثی نیز سرمایه های بس گرانبهایی را به فرزندان خود انتقال می دهند. دختر و پسر که در یک خانواده اصیل رشد می یابند، سجایای اخلاقی را از پدر و مادر خود به ارث می برند و در برخورد با دشواری ها و سختی های زندگی هرگز از جاده درستی و راستی خارج نمی شوند. به عبارت دیگر پایبندی به آبرو و حیثیت، آنان را از انحراف باز می دارد (رشیدپور، ۱۳۷۴، ص ۸۴).

۴- خصوصیات اخلاقی و عاطفی

خلق و خو و اخلاقیات خوب از امتیازاتی است که داشتن آن می تواند زمینه را برای نزدیکی بیشتر زوجین فراهم آورد. زوجی که این ویژگی ها را داشته باشد نسبت به هم مهربان بوده و همین امر در استحکام خانواده اثرات مهمی دارد. در زمان ازدواج هر یک از طرفین ازدواج باید به اخلاقیات فردی که یک عمر می خواهند با او زندگی کنند توجه لازم را داشته باشند. آنچه مایه تحکیم و مایه سازش روابط خانوادگی است اخلاق خوب هر یک از طرفین است و همین اخلاق خوب است که بسیاری از اضطراب ها و استرس ها را کاهش داده و کم میکند (نجاتی، ۱۳۷۶، ص ۴۹).

اساس زندگی زناشویی سازگاری، تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو اخلاق نیکو فراهم می شود (آیت الهی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۷).

صفات اخلاقی مناسب مانند اخلاق و رفتار خوب، نجابت، صداقت و گذشت مهمترین خصوصیت یک مرد یا زن خوب برای ازدواج به شمار می آید. از آنجا که رفتار، یکی از مهمترین ابعاد روانشناختی فرد است و صفات اخلاقی نیز در رگه های شخصیت جای می گیرد، این دو بعد را می توان در ضمن ملاک های روانشناختی در نظر گرفت. در این راستا چند مصداق روانشناختی اخلاقی بیان می گردد: سنجیده گویی و کنترل زبان، کنترل احساس ها و هیجان ها، میانه روی، دوراندیشی و آینده نگری، انتقاد پذیری، قدرت تشخیص و تجزیه و تحلیل، استقلال فکری و حسن خلق (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۴).

زندگی با انسان کج خلق بسیار مشکل است و زندگی با افراد خوش خلق و خوش برخورد، به انسان نشاط و امید می دهد. خوش خلقی یکی از نشانه های ایمان است و بدخلقی از نمودهای ضعف ایمان. خوشرویی و خنده رویی همیشه و در همه جا نشانه اخلاق نیک نیست. خوش خنده بودن دختر و زن و همچنین مرد در مقابل نامحرم ضد اخلاق است و بسیار ناپسند و



همینطور خندیدن و خنداندن دیگران، به وسیله غیبت و مسخره کردن و عیب جویی از مردم حرام و ضد ارزشها و اخلاق اسلامی است (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳).

۵-تحصیل و عقل

اسلام ازدواج با احمق و نفهم را بلایی عظیم می‌داند وانگهی عقل سالم و تعادل روانی در ازدواج توصیه شده است. رسول اکرم: (از ازدواج با زن احمق پرهیزید، زیرا همنشینی با او بلا است و فرزندی که می‌آورد تباه است) (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۵، ص ۹۹).

برای ایجاد زندگی سعادت‌مندانه، به عقل و فهم سالم نیاز است. عقل همانند نورافکنی است که جاده زندگی را روشن می‌کند و نشیب و فرازها را می‌نمایاند تا انسان در برابر آنها تصمیم‌های مناسبی بگیرد. عقل وسیله‌ای است برای تشخیص خوبی‌ها از بدی‌ها. زن و شوهر، برای اداره صحیح زندگی و تربیت فرزندان شایسته، باید به نیروی عقل و فهم مجهز باشند. امیر مومنان از ازدواج با انسان احمق (فاقد عقل و شعور) به شدت نهی فرموده‌اند: (پرهیزید از ازدواج با احمق زیرا مصاحبت و زندگی با او بلا است و فرزندان نیز تباه می‌شوند). در این سخن امام دو نکته مهم بیان شده است: یکی بلا بودن همنشینی و زندگی با همسر احمق است که جان انسان عاقل را به لب می‌آورد. و دیگری تباه و ضایع شدن فرزندان که هم از راه وراثت و ژن‌ها بر آن اثر می‌گذارد و هم از راه تربیت و اخلاق و رفتار و هر دو خسارت بزرگی است. ممکن است انسانی باسواد باشد اما عاقل نباشد و یا عاقل باشد، اما باسواد نباشد. یعنی باسواد بودن مساوی با عاقل بودن نیست؛ همانگونه که عاقل بودن نیز مساوی با باسواد بودن نمی‌باشد. البته علم و عقل بر یکدیگر تأثیر دارند، اما عین هم نیستند. چه بسا فردی باسواد باشد ولی عقل و بینش زندگی را دارا نباشد و نیز چه بسا شخصی بی‌سواد باشد که عقل و تدبیر زندگی را داشته باشد. و اگر این دو عقل و علم با هم جمع شوند، نور علی نور می‌گردد.

و همچنین بعضی از زرنگی‌ها و زد و بندها و حيله‌گری‌ها را نباید به حساب عقل گذاشت و انجام دهنده‌ی آن‌ها را عاقل نمی‌نامند. علم و سواد در سعادت انسان، بسیار تأثیر دارد و طلب دانش بر هر زن و مرد مسلمان واجب است. این ویژگی، در امر انتخاب همسر و زندگی مشترک، مورد توجه است و امتیازی برای همسر شایسته چه دختر و چه پسر محسوب می‌شود و در تکامل و رشد زندگی و انجام وظایف همسری و تربیت فرزند و... تأثیر نیکویی دارد. اما این خصوصیت نیز مانند زیبایی شرط کمال است نه رکن و اساس و باید در کنار صفات و معیارهای اصلی و اساسی بررسی شود نه مستقل. علم بدون تعهد و ایمان همیشه مضر است؛ همانند زیبایی بدون ایمان و عفت (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸).

یکی از ویژگی‌های انسان کمال‌طلبی است. بسیار دیده شده است که بالا بودن تحصیلات رابطه مستقیمی با سعادت و خوشبختی انسان دارد و از فساد و تباهی جلوگیری کرده است. در بیشتر خانواده‌ها اعتقاد بر این است که پسر نباید تحصیلاتش کمتر از دختر باشد. اگرچه وجود تحصیلات همیشه شعور و آگاهی را به همراه ندارد، اما می‌توان به صراحت گفت که عامل سواد و آگاهی ارتباط مستقیمی با هم دارند. آنچه در اینجا می‌توان بیان کرد این است که تمامی افراد جامعه



چه زن و چه مرد باید برای بیشتر دانستن تلاش کنند تا سعادت خود را تضمین کرده و به سمت رشد و تکامل حرکت کنند. بسیاری از اختلافات و درگیری های زناشویی ابتدا از چیز های به ظاهر بی اهمیت شروع می شود به این معنی که عادت ها و مسائل کوچک و به ظاهر ناچیز ممکن است زمینه ساز عصبانیت ها و درگیری های زوجین شود. این درگیری ها و اختلاف نظرها زمانی که از نظر سطح و میزان سواد زوجین در یک سطح نباشند اوج بیشتری گرفته و ریشه دار تر می شوند. دانشمندان معتقد اند که میان سعادت خانوادگی و همگونگی در تحصیلات زوجین ارتباط و بستگی مستقیمی وجود دارد و توافق میان زن و شوهر را زیاد می کند. در بیشتر مواقع دیدگاه و بینش فرد تحصیل کرده نسبت به محیط خانوادگی و مسائل و مشکلات واقع بینانه تر و منطقی تر می باشد. اختلاف سطح تحصیلی بین زن و شوهر درک متقابل بین آنها را کم می کند و این زمینه مناسبی برای اختلاف و درگیری های زناشویی است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که هرچه اختلاف سطح تحصیلات کمتر باشد، احتمال بروز اختلاف نیز کمتر می شود (نجاتی، ۱۳۷۶، ص ۴۴).

از آنجا که امروزه سطح تحصیلات بسیاری از دختران بالاتر از سطح تحصیلات پسران است، باید توجه داشت که ارزیابی و قضاوت درباره چند و چون تفاوت تحصیلات دخترها و پسرهای آماده ازدواج می باید با عنایت به هوشمندی، کفایت عقلانی، تجارب ارزشمند حرفه ای و بینش اجتماعی طرفین انجام پذیرد. در واقع صرف تفاوت بسیار در میزان تحصیلات نمی تواند و نباید مانعی برای زوجیت باشد. چه بسا پسرهایی که با وجود بهره مندی از ظرفیت هوشی بالا و رشد مطلوب عقلانی و امکان ادامه تحصیلات دانشگاهی، به دلایلی از جمله کسب مهارت های مورد نیاز، بضاعت مالی محدود و اشتغال، موفق به تحصیلات دانشگاهی نشده اند. بی تردید برخورداری پسر از تجارب حرفه ای مفید و ارزشمند از نظر منطقی به مراتب از صرف تحصیلات نظری والاتر و ارزشمند تر می باشد. از این رو پسر و دختر در چنین شرایطی می توانند همسر شایسته ای برای یکدیگر باشند؛ به شرط آنکه پسر فهمیدگی لازم را برای پذیرش مدیریت خانواده داشته باشد، دوستدار دانش باشد و مانع تحصیل همسرش نشود و همچنین دارای ویژگی برتری از حیث اطلاعات عمومی یا سطح خانوادگی باشد. زن ظرفیت پذیرش مدیریت شوهری با تحصیلات کمتر را داشته باشد (آیت اللهی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۴).

۶- کفویت

در ترکیبات شیمیایی دو عنصری که با یکدیگر ترکیب می شوند هر قدر از نظر هویت وجودی به یکدیگر نزدیک تر باشند ترکیب آن دو استوار تر و عمیق تر انجام خواهد شد و اگر بین دو عنصر تقارن و پیوندی وجود نداشته باشد ترکیب سست و لرزان است و پس از زمان کوتاهی از بین خواهد رفت. ازدواج نیز یک نوع ترکیب است و هر قدر روحیات دختر و پسر به یکدیگر نزدیک تر باشد پیوند ازدواج آن دو از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین برای اینکه پسر و دختر به ازدواج استواری دست یابند هر دو باید اصول کفویت و همانندی را در ابعاد سنی، جسمی، روحی و روانی، فرهنگی و علمی رعایت کنند. به عبارت دیگر دختر دیندار باید با شخص دیندار ازدواج کند زیرا دیندار و بی دین به طور طبیعی در مواردی با یکدیگر اصطکاک و درگیری خواهند داشت. فرد تحصیل کرده هم باید با شخص درس خوانده ازدواج کند تا یکدیگر را



درک کنند. همچنین تجربه نشان داده است که وقتی اختلاف سن بین دختر و پسر زیاد باشد، پس از گذشت سالیانی چند استحکام خانواده دچار تزلزل می شود. البته بدهی است که همانندی کامل به صورت تطابق امکان پذیر نیست، ولی این عدم امکان نمی تواند از رعایت همانندی نسبی ممانعت به عمل آورد. بنابراین یکی از عواملی که خوشبختی زن و شوهر را پس از ازدواج تضمین می کند رعایت اصول کفویت و همانندی نسبی است (رشیدپور، ۱۳۷۴، ص ۸۶).

اگر فلسفه ازدواج مشخص باشد، ما را به معیارهای مان برای انتخاب همسر نزدیک می سازد. بدین ترتیب، معیارهایی که با مقصود ما از ازدواج بی ارتباط است، حذف می گردد. قرآن کریم هدف و فلسفه ازدواج را آرامش آدمی می داند. قطعاً این آرامش در مسیر هدایت انسان رقم خورده است. بنابراین تمام معیارها یعنی خصوصیات ظاهری، روحی، فکری، اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و خانوادگی باید با توجه به میزان ایجاد آرامش و تعالی بخش ارزیابی گردد. بنیادی ترین مسئله در ازدواج که موجب آرامش آدمی می شود، اصل همتایی است. آرامش در سایه ازدواج با فردی حاصل می شود که همتای ماست، نه فراتر یا فروتر از ما. در تعالیم اسلام در گزینش همسر بر اصل کفو به معنای همتایی و همانندی تاکید شده؛ بدین معنا که زن و مرد در ویژگی های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً همتا باشند. کفویت دارای مصادیق فراوان اعتقادی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی است، اما در نگاه دینی این همسانی بیشتر در خصوص ایمان است و زن و مرد به سبب ایمان، همتای یکدیگر دانسته شده اند. در موارد دیگر کفویت، تطابق فرهنگی بین دو نفر است که اشتراک در زبان، دین، ملیت، نظام ارزشی، بینش ها و باورها را در بر می گیرد. بی شک اشتراک فرهنگی به معنای عام، شرط لازم همزیستی بی دغدغه انسانها و محوری ترین نقطه وفاق و همبستگی آنها است و به این دلیل تأثیری است که در جلب محبت متقابل، کاهش سوء تفاهم ها و حل آسانتر مشکل های احتمال ای اتفاق می افتد (بانکی پورفرد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

حساس ترین موردی که باید در انتخاب همسر روی آن دقت شود، همین مورد کفو هم بودن دو همسر می باشد. کفو هم بودن دو همسر، یعنی تناسب، همتایی، هماهنگی، همسانی، سنخیت، کفایت و همطرازی بین دختر و پسر و به اصطلاح با هم جور در آمدن زن و شوهر. ازدواج، نوعی ترکیب بین دو انسان و دو خانواده است. زندگی مشترک، یک پدیده مرکب است که اجزاء اصلی و اساسی آن زن و مرد می باشند. هر قدر بین این دو عنصر هماهنگی، همفکری، تناسب و سنخیت روحی و اخلاقی و جسمی باشد، این ترکیب استوارتر، مستحکم تر، پرثمر تر، شیرین تر، لذت بخش تر و جاودانه تر خواهد بود؛ و هر چه این تناسب و هماهنگی کمتر باشد، زندگی سست تر، تلخ تر، کم ثمر تر و ناپایدار تر خواهد بود. علت عمده بیشتر ناهنجاری ها و آشوب زدگی های زندگی خانواده ها، عدم تناسب و ناهماهنگی بین زن و شوهر است. دو انسانی که در کنار هم قرار می گیرند و می خواهند یک عمر با هم زندگی کنند و در همه امور شریک باشند و تصمیم های مشترک بگیرند و فرزندان را به وجود آورند و تربیت کنند و به سعادت برسانند، حتماً باید هماهنگ و هم سنخ و کفو هم باشند. متأسفانه در مسئله انتخاب همسر معمولاً به خوب بودن عرفی اکتفا می شود و به کفو هم بودن دختر و پسر توجه کمتری می کنند و حال آن که محور معیارهای انتخاب همسر، همین همتایی است. در جامعه ما، کمتر انسانی پیدا می شود که به کلی قابل ازدواج و



همسری نباشد. همه دختران و پسران جز بعضی از آنان قابلیت همسری را دارند؛ اما باید سنجید که کدام دختر برای کدام پسر مناسب است (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸).

عوامل اختصاصی

زن و مرد بی خبر از اینکه قرار است باهم تفاوت‌هایی داشته باشند، در مقابل هم می‌ایستند. چون این حقیقت مهم را فراموش کرده‌ایم و معمولاً از دست همسرمان عصبانی یا دلخور می‌شویم. انتظار داریم که جنس مخالف تا آنجا که ممکن است همچون خود ما باشد. دل‌مان می‌خواهد آنچه را که ما می‌خواهیم او نیز بخواهد و آن‌گونه که احساس می‌کنیم او نیز احساس کند. ما به اشتباه این‌گونه تصور می‌کنیم که اگر شریک زندگی‌مان، ما را دوست بدارد، باید به‌گونه‌ای واکنش نشان دهد و با ما رفتار کند که وقتی ما به او عشق می‌ورزیم، از خود واکنش و رفتار خاصی بروز می‌دهیم. این نوع نگرش باعث می‌شود که همواره نسبت به یکدیگر قطع امید کرده و آن را مانعی در راه گفت و گوی خود درباره تفاوت‌های مان بدانیم (گری، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

عوامل اختصاصی زنان عبارتند از: خانه‌داری، مایه انبساط خاطر، یار و یاور شوهر، شوهرداری، مهربان و عقیف و زایا و... عامل پیشرفت اقتصادی خانه

عوامل اختصاصی مردان: بخشش و سخاوت، حفظ حقوق خانواده، مهمان‌نوازی، احسان و نوازش زن، تلاش برای معاش و عدم اعتیاد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳).



نتیجه گیری

جوانان باید آمادگی لازم را برای ازدواج از همه جنبه ها پیدا کنند (جسمی، روحی، روانی، اجتماعی، عاطفی و...). سپس ملاک‌های انتخاب همسر را برای خود مشخص کنند، ملاک‌ها را دسته بندی و طبقه بندی کنند. هر کدام را برای خود ارزش گذاری کنند. مهم‌ترین ملاک را در راس کار قرار دهند. البته جوانان عزیز باید به این نکته ی مهم دقت داشته باشند که امروزه برخی ملاکشان برای ازدواج زیبایی ظاهری یا اموال می‌باشد. باید بدانند این ملاک‌ها ملاک‌های فرعی اند. زیبایی نسبی است و ملاک اصیل و محکمی برای ازدواج نیست. ظاهری زیبا برای همسران عموماً عادی می‌شود اما مسئله ای که مهم است و هیچ گاه عادی نمی‌شود، اخلاق و تدین است. باید سعی شود ملاک‌های اصلی برای ایجاد زندگی مشترک در راس قرار گیرد که همان اخلاق و تدین است.

ما مشاهده کردیم که مردم چگونه با کسی آشنا میشوند و چگونه یک شریک زندگی انتخاب میکنند. با تحلیل فرآیندها، ما باید انتخاب رویایی را کنار بگذاریم. مردم از عاشق شدن و از خود بی خود شدن شهوانی لذت می‌برند، اما همچنین ممکن است که یاد بگیریم درباره‌ی ارتباط‌هایمان در دوره‌ی آشنایی خوب فکر کنیم. ما نیاز به تصمیم گیری خوب درباره کسی که می‌خواهیم یک عمر می‌خواهیم با او زندگی کنیم، داریم. ازدواج خیلی مهم تر از آن است که آن را به دست سرنوشت یا شانس بسپاریم یا بدون فکر و اندیشه وارد آن شویم. یک ازدواج خوب یک هدیه گرانبهاست. یک ازدواج بد می‌تواند فاجعه باشد.



منابع

- ۱- آیت‌اللهی، زهرا. بانکی پورفرد، امیرحسین. بداغی، فاطمه. حسینی، شیما سادات. حکمت نیا، محمود. سیاح، مونس. محمودی، محمدجواد. نامجو، بتول. (۱۳۹۶). دانش خانواده و جمعیت. قم: دفتر نشر معارف.
- ۲- اسداللهی فرد، علی رضا. (۱۳۷۸). گفتنیهای ازدواج. چاپ اول. قم: صبح پیروزی.
- ۳- السون، دیوید اچ. دفرین، جان. السون، ایمی کی. (۱۳۸۸). مهارت‌های ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد. چاپ سوم. تهران: روانشناسی و هنر.
- ۴- بانکی پور فرد، امیرحسین. شرفی، محمدرضا. مشفق، محمود. ملکی، حسن. آیت‌اللهی، زهرا. بداغی، فاطمه. خلیج آبادی، فریده. کاظمی پور، شهلا. (۱۳۹۳). اخلاق خانواده. چاپ بیست و هفتم. قم: دفتر نشر معارف.
- ۵- حسینی بیرجندی، سیدمهدی. (۱۳۹۵). آموزش و مشاوره قبل از ازدواج با رویکرد اسلامی. چاپ اول. تهران: آوای نور.
- ۶- رحیمی یگانه، زهرا. (۱۳۸۹). خانواده موفق. اصفهان: حدیث راه عشق.
- ۷- رشید پور، مجید. (۱۳۷۴). آموزش جوانان در آستانه ازدواج. چاپ دوم. تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۸- گری، جان. (۱۳۸۲). مردان مریخی زنان ونوسی. چاپ یازدهم. تهران: برگ زیتون.
- ۹- محبی کچلام، حسام الدین. (۱۳۹۳). ازدواج و خانواده، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم مرکز راهبردی مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- ۱۰- مظاهری، علی اکبر. (۱۳۸۸). جوانان و انتخاب همسر. چاپ سی و دوم. قم: پارسایان.
- ۱۱- مومیوند، محمد. (۱۳۷۸). ازدواج چرا و چگونه. چاپ اول. تهران: انتشارات مفید.
- ۱۲- میر محمد صادقی، مهدی. (۱۳۹۷). آموزش پیش از ازدواج. چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۳- نجاتی، حسین. (۱۳۷۶). روانشناسی زناشویی. چاپ اول. تهران: بیکران.